

## همتایک رازی

ف - ر. راوی

### ■ مقدمه

برای شماره ۲۰۰ ماهنامه دارویی رازی مقرر شد که این «راوی» روایت کند حکایت همتایان رازی را، یعنی مروری شود بر نشریاتی که در مقوله‌های غیر تخصصی به موضوعات مرتبط با حیطه داروسازی و پزشکی پرداخته‌اند و یا می‌پردازند. نمونه‌ای از نشریات - احتمالاً نه کامل و نه جامع - فراهم شد تا در مقاله حاضر به ترتیب قدمت انتشار یادی از آنان بکنیم چرا که تنها «رازی» رهرو این راه نبود.

سابقه انتشار اولین مطبوعه ایرانی را ۱۷۰ سال پیش نوشته‌اند اما تنها روزنامه اطلاعات است که معمرترین نشریه حاضر در دهه‌های مطبوعاتی بوده با سابقه‌ای ۸۰ ساله بر فراز سیاهه هنوز حضور دارد انشاء... که همچنان حاضر باشد و ناظر باشد تا همیشه، اما از میان نشریات پزشکی - دارویی با توجه به انقطاعی که بعد از وقوع انقلاب اسلامی در انتشار آن معدود نشریات پدید آمد بررسی از سال ۱۳۶۲ آغاز شد.

در آذر - ۱۳۶۲ ماهنامه «نسخه» با تیراژی وسیع و به صورت رایگان اهالی حرفه های پزشکی را از مطالب علمی روز مطلع نمود. نسخه گام نخست بود و اولین رهپوی این طریق. انجمن داروسازان گیلان هم در همین سال به انتشار محدود ماهنامه خود در محدوده استان گیلان می پردازد. ماهنامه دارو و درمان نیز در بهمن همان سال متولد شد تا فرهنگ ژنریک که اتفاقی عظیم - در زمان وقوع - در عرصه داروسازی کشور بود را نهادینه سازد.

رازی، ماهنامه دارویی رازی چهارمین فرزند این خانواده بود که در بهمن ۱۳۶۸ انتشارش آغاز شد. نشریه بعدی «نبض» بود که طییدنش از مهر ۱۳۷۰ آغاز شد. نبض رسالتش را کمک به برنامه «بازآموزی» قرار داده بود که به موجب قانون اهل حرفه را همه ساله به کسب ۲۵ امتیاز بازآموزی موظف می ساخت.

«پزشکی امروز» که به بخش خصوصی تعلق داشت با دو سه ماه فاصله از نبض منتشر شد. از میان این نشریات آغازین که در سطح کشور توزیع می شدند همه به صورت رایگان در اختیار اهل حرف پزشکی قرار می گرفت چهار تا از این نشریات به منابع دولتی (غیرخصوصی) تکیه داشتند اما نشریه انجمن داروسازان گیلان به همیاری انجمن منتشر می شد و «پزشکی امروز» سعی می کرد که در آن شرایط - شرایط سال های ۷۰ به مدد آگهی خود را سرپا نگهدارد. قابل ذکر است که از ۵ نشریه سراسری «نسخه» در هفتمین سال انتشار متوقف شد. «دارو درمان» برای سالیانی به محاق رفت و بعد با چهره ای و محتوایی متفاوت از سال ۸۰ انتشار دومین دوره اش را آغاز کرد.

«نبض» نیز پس از ۷ سالی تلاش موثر از طپیدن و منتشر شدن سر باز زد (یا کسانی خواستند که تامل کند) رازی اما با زحمت و در مقطعی با جان سختی و به یاری سه ستون نگهدارنده اش دکتر صدر (مدیرمسؤل) - دکتر سیامک نژاد (سردبیر) و دکتر منتصری (سیاستگذار و مدیرعامل وقت پخش رازی) با کاستن از تیراژ (۱۵۰۰۰، شمارگان رازی بود که رایگان توزیع می شد) و درخواست یاری از خوانندگان وفادارش که «برویم یا کمک می کنید که بمانیم» ماند با اتکا به درآمد ناشی از اشتراک و تداوم حمایت های مالی پخش رازی. پزشکی امروز هم افتان و خیزان آمد تا رسید به مقطع فراوانی آگهی لذا بر ارتفاع شمارگان تا عددی فراتر از ۴۰۰۰۰ افزود و برای پذیرش چاپ آگهی نوبت درست کرد.

«پزشکی و جامعه» سال ۱۳۷۱ آمد ولی دو سه سالی بیشتر نپایید چرا که فقط

به تک‌فروشی تکیه داشت و به روزگار خودش نشریه گران خوش‌آب و رنگی بود. نوین پزشکی هفته‌نامه‌ای بود خواندنی و ماندنی، حمایت مالی موسسه ابن سینای بزرگ را پشت سر داشت و نیروی عظیمی از یاران و نیز دانشجویان توانمند. نوین پزشکی از ۱۳۷۷ انتشار خود را آغاز کرد حالا ۸ سال دارد هرچند کم‌ورق شده و نیز تا حدودی بر آگهی‌هایش تکیه دارد.

سال ۱۳۷۹، «درد» آمد که تا امروز بیش از ۵۰ شماره منتشر کرده و حمایت‌های موسسه انتشاراتی تیمورزاده را پشت سر دارد. همین موسسه از سال ۸۴ انتشار طبیب را هم به درد افزوده است.

داروسازی فردا در سال ۱۳۸۲ به همت هیات علمی دانشکده داروسازی شهید بهشتی منتشر و به صورت رایگان و در شمارگانی ۷۰۰۰ تایی توزیع شد. پول‌های معتقدان به داروسازی فردا در حالی ته کشید که آگهی‌چندانی هم نتوانست جذب کند، از این رو کم‌کم از نفس افتاد. در همان سال «نامه دارویی» به همت دکتر فریدون سیامک‌نژاد به میان داروسازان آمد و ماندگار شد. این نشریه ۴ صفحه‌ای در قطع A۴ خواندنی و طبیعتاً نگهداشتنی است، امید که ماندنی هم به دو صفت اول آن اضافه شود.

«منشور توان» با کاغذ مرغوب و آب و رنگ خوش‌نگران منابع مالی نیست چرا که به راه افتاده و انشاء... ماندگار می‌شود. «طبیب» و «شفا» سال ۱۳۸۴ وارد عرصه شدند و «سپید» که شاید نوآمده‌ترین همتای رازی در عرصه پزشکی کشور باشد.

به این‌ها باید اضافه کرد از سرگیری انتشار «دارو و درمان» را از سال ۱۳۸۰. در بررسی این نشریات دو نکته به چشم می‌خورد. نشریات آغازین به منابع دولتی یا کیسه‌گشاده شرکت‌های دارویی تکیه داشتند پس علم‌شمارگان‌شان بلند بود و چون خرج از کیسه دیگری بود دغدغه تیراژ نداشتند تا دستور رسید که انتشار رایگان ممنوع. این دستور نفس‌بر بود. «رازی» از مهلکه چست به تدبیر آنان که به انتشارش باور داشتند و نیز خوانندگانی که به پایش ایستادند. دو دیگر نشریات سال‌های اخیر است اینان نیز همه رایگان هستند اما بهای انتشار نشریه خود را از دریافت آگهی‌تأمین می‌کنند بعضی به قاعده و پاره‌ای به افراط آگهی می‌پذیرند به نظر می‌رسد افق این «سو» روشن باشد. پس جذاب‌تر به چاپ می‌رسند و بیشتر جلب توجه می‌کنند و لاجرم آگهی بیشتری بسویشان روان می‌شود، رازی اما همانند مشی نوشتاری اش میانه می‌رود، کمی آگهی می‌گیرد آن هم تقریباً - و نه کاملاً - منحصر به محصولات است که پخش رازی

- حامی مالی رازی در تمام این ۱۷ سال - توزیع آن‌ها را به عهده دارد. از تک‌فروشی رازی و نیز دریافت هزینه‌های شرکت در خودآموزی نیز مبالغی فراهم می‌شود اما بارها و بارها از «رازی»، ماهنامه را می‌گویم خواسته شده که به گونه‌ای گام بردارد و سوگیری کند که بر پای خود و منابع مالی مستقل خود قائم بماند. قطعاً نه مسئولان نشریه و نه اعضای شورای تحریریه مایل نیستند که فشار مالی بیشتری متوجه خوانندگان مشتاق خود کنند می‌ماند یک راه: سازمان نیازمندی‌های رازی تشکیل شود، فعال گردد، جز آگهی‌های موجود، پذیرای آگهی‌های دیگر و بیشتر شود تا بتواند خود را به انتشار سیصدمین شماره‌اش نزدیک کند. وقتی «رازی» درآمد امیدی به ماندگاریش نبود، در صدمین شماره دیدیم که هستیم، بحرانی بزرگ را پشت سر نهاده و البته با خوانندگانی که از دست دادیم و حالا به دویست رسیده‌ایم اما قیمت فیلم و زینک و کاغذ و چاپ روزافزون است و سایر هزینه‌هایی که شرکت پخش رازی بر عهده دارد (مثل نیروی پشتیبانی، مکان، آب و برق و غیره) نیز کم نیست پس باید همتی کرد راهی جست تا ضمن جلب خوانندگان جدید، یاران و هم‌قدمان قدیمی را هم از دست ندهیم انشاء... حق مدد کند و «رازی» ۲۰۰ ماهه ماندگاریش تضمین شود، یاری شما خوانندگان عزیز را هم و راهنمایی‌هایتان را به جان پذیراییم، «رازی» نشریه خودتان است.

«نسخه» به عنوان ماهنامه علوم پزشکی در آذر سال ۱۳۶۲ آغاز به انتشار کرد. ناشر «نسخه» دفتر علمی شرکت سهامی پخش نو بود با مدیریت آقای دکتر اکبر خداخواه. مرد خستگی‌ناپذیر میدان توزیع دارو، برگزاری همایش‌ها و کنگره‌های علمی مرتبط با زمینه‌های پزشکی، انتشار کتاب‌های سودمند پزشکی و ده‌ها فعالیت ارزنده دیگر.

تیراژ نسخه ۱۲۰۰۰ بود که به صورت رایگان جهت صاحبان حرف پزشکی ارسال می‌گردید تا «ارتقاء دانش پزشکی» را در موارد غیر تخصصی موجب شود در صفحه اول نسخه خلاف همه نشریات نامی از سردبیر برده نشده ولی از همان چند شماره آغازین نسخه که منتشر شد همگان به وجود سردبیری حرفه‌ای، توانمند و صاحب‌نظر در این ماهنامه توجه



نمودند. پهلوان این میدان که از نام جویی فاصله می گرفت کسی نبود جز دکتر بیژن جهانگیری.

با وسواسی بی مانند یک تنه مقالات مناسب را برای اهدافی که در صفحه اول نشریه درج شده بود گزین می کرد و با هدایت تیمی از جوانان دانشجو بر ترجمه آن مقالات نظارت عالییه را اعمال می کرد. حاصل در آن سال های قحط مطلب علمی خواندنی غیر تخصصی به زبان فارسی بسیار مغتنم بود و مایه شادمانی. قطع «رازی» بعدها - در سال ۱۳۶۸ - از «نسخه» الهام گرفته شد. کار نیک و ماندگار دکتر جهانگیری، هفت سالی ادامه یافت تا این که در حوالی سال ۷۰ نسخه این کار خوب پیچیده شد. شاید سلیقه کسی که در این زمینه تصمیم ساز بود، در وقفه انتشار نسخه دخیل بود. همه مطالب نسخه علمی بود. وارد هیچ وادی دیگری نمی شد. در ابتدای هر مقاله سردبیر خلاصه ای مناسب و معمولاً جذاب می نوشت آن گونه که رغبت خواندن تمامی مقاله را در خواننده برمی انگیخت. ارائه حداقل یک یا دو تیتتر فرعی (سوتیتتر) در تمامی صفحات، صفحه را چشم نواز می کرد و خواننده را به خواندن تشویق می نمود. برای قرار گرفتن در فضای سال هایی که نسخه منتشر می شد به تصویر یک صفحه از آن در صفحه بعد عنایت بفرمایید: «کمردرد موضعی».



«انجمن داروسازان گیلان» در تلاشی شاید محدود اما شایسته تقدیر از حدود سال ۶۲ با تیراژی حدود هزار ماهنامه علمی خود را توسط انتشارات هدایت به دست علاقمندان رساند بار علمی انتشار این مجموعه کم ورق اما خواندنی به عهده استاد عزیز و همکار قدیمی رازی جناب دکتر محمود بهزاد بود تا آنجا که راوی خبر دارد نشریه در سال های اخیر با کسوتی رسمی تر و با تیمی پرشمارتر انتشار خود را ادامه داده است. این نشریه را علی رغم عدم برخوردارگی از حمایت های دولتی و نیز فقدان آگهی در آن می توان از معدود نشریات علمی صنفی تلقی کرد. تا سال های ۱۳۷۷ از مجله به طریقی خبر داشتم و از دیدن و خواندنش خوشحال می شدم اگر این حساب درست باشد شاید به لحاظی ماهنامه انجمن داروسازان گیلان با قدمت انتشار حدود یا فراتر از ۱۵ سال مرتبه ای نزدیک به «رازی» را به خود اختصاص دهد.

در هر حال کار دوستان گیلانی ما و در حالی که انجمن داروسازان ایران نتوانست تداوم انتشار فصلنامه خبری - علمی خود را حفظ کند شایسته

## کمر درد موضعی

آیا شخصی را مینماید که از کمر درد شکایت نداشته باشد ؟  
 بررسی انجام گرفته نشان داده است که درصد قابل ملاحظه‌ای از مراجعین به مطب‌های  
 پزشکی عمومی از کمر درد شکایت دارند . علاوه بر این شکایت باعث کم شدن قابل ملاحظه‌ای  
 از ساعات کل کار پژوهشگران در جمانات مختلفه میشود .  
 پس از ابتلاء به کمر درد ، معمولاً " مدت کوتاهی بیمار بد درمان خود میپردازد و سپس  
 به طبیب عمومی مراجعه میکند . طبیب عمومی هم با دادن استراحت و مصرف داروهای  
 ضد درد غیر مخدر به درمان بیمار میپردازد .  
 طول مدت استراحت یکی از نکاتی است که دارای اهمیت است . نشان داده شده که  
 مدت کوتاه استراحت یا مدت طولانی ( دو روز در مقابل یک هفته ) تفاوتی در نتیجه  
 درمان نداده است . علاوه برین مصرف آسپیرین و سایر داروهای ضد درد هم تفاوت محسوسی  
 نیافته‌اند .  
 یکی از نکات مهم اینست که عده قلیلی از کمر دردها علل خاصی دارند که باید آن‌ها را  
 یافت و درمان نمود .  
 در نوشته حاضر مسائل مربوط به نکات فوق مورد بحث قرار گرفته‌است .

ارج گذاری است. در برابر این تلاش صادقانه و عاری از هر گونه توقع، باید کلاه  
 به تکریم از سر برگرفت و در مقابل همت بلند کوشندگان گیلانی به تعظیم درآمد.  
 در اسفند ۱۳۷۷ انجمن داروسازان گیلان به انتشار حکمت همت گماشت که  
 علاوه بر استاد بهزاد به عنوان رکن ثابت ماهنامه و ویراستار، آقای دکتر امجدی  
 و نیز آقای دکتر مهدی زاده به ترتیب به عنوان مدیرمسئول و سردبیر زحمت  
 انتشار آن را تقبل نموده‌اند. « حکمت » نسبت به نشریه قبلی این انجمن



حرفه‌ای‌تر، متنوع‌تر و برخوردار از جلدی آب و رنگ دارتر شد. متأسفانه خبر موثقی در مورد ادامه انتشار آن بعد از سال‌های ۸۲ در دست ندارم اما آرزو می‌کنیم که همه یاران گیلانی در پناه سبزی خداداد استانشان و در خدمت بزرگ و پیر فرهیخته همه داروسازان جناب دکتر استاد بهزاد به انتشار منظم حکمت مشغول باشند. «رازی» بی‌خبر ماندن از «حکمت» را نه منطقی می‌داند و نه حکم هم‌تایی. باشد که «حکمت» آن سبزانديشان پیش‌تاز بر اهل رازی و دفتر «رازی» جاری شود، چنین باد.

در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۶۲) اولین شماره ماهنامه «دارو و درمان» زیر نظر شورای تحریریه منتشر شد که سه ماهی بعد از آغاز انتشار ماهنامه علوم پزشکی «نسخه» بود. صاحب‌امتیاز مجله «اداره کل نظارت بر مواد دارویی و تجهیزات پزشکی»، مدیرمسئول آقای دکتر مرتضی آذرنوش و سردبیر آقای دکتر سید غلامرضا فنایی بود که تا ۸ شماره سردبیری مجله را عهده‌دار بودند. داروپخش پشتیبانی مالی از نشریه را متقبل شده بود تا این ماهنامه به صورت رایگان در دسترس پزشکان و داروسازان قرار بگیرد شمارگان مجلدات نخستین بالاتر از ۲۰ هزار بود و کم‌کم تا حد ۴۰۰۰۰ هم اوج گرفت. از شماره نهم دکتر علی منتصری عهده‌دار سردبیری شده و کار ویراستاری دارو و درمان به دکتر فریدون سیامک‌نژاد واگذار گردید. از هم‌راهان

دوره اول و سال اول دارو و درمان باید ذکر خیری از آقایان دکتر: توکلی صابری، سعید ستاری، فرامرز سلیمانی، احمد محیط، محمدباقر میرفتاحی و زنده‌یاد آقای دکتر منصور هاشمی به میان آورد آقایان دکتر سعید حقیقی، محمد تقی‌خانی و فرشاد روشن‌ضمیر هم از دیگر اعضای شورای تحریریه دارو و درمان بودند. دارو و درمان اصلاً آگهی نداشت، پشتوانه مالی



داروپخش مجله را از آگهی بی نیاز کرده بود. کار ماندگار در اولین سال انتشار دارو و درمان ویژه نامه بیماری سل بود که هنوز شماره‌ای مرجع و قابل استناد است.

از شماره دهم همین سال نیز به صورت پی در پی ترجمه کتاب خواندنی و تامل برانگیز «نسخه‌ای برای مرگ» در مجله درج شد که زحمت ترجمه آن را آقای دکتر توکلی صابری - همکار محترم مقیم ایالات متحده که آثاری از ایشان در رازی هم درج شده - عهده دار بودند.

سرمقاله اولین شماره دارو درمان به قلم وزیر بهداشتی وقت جناب آقای دکتر هادی منافی را ملاحظه می فرمایید. انتشار دوره اول دارو درمان در سال ۱۳۷۰ یعنی بعد از ۸ سال به دلیل مسایل مالی (احتمالاً) متوقف گردید.



حدود یک سالی از وقفه انتشار «نسخه» می گذشت که تیم «جهانگیری - خداخواه» آستین‌ها را بالا زدند. وزیر بهداشت وقت جناب دکتر ملک زاده، بر انتشار مجله جدید نظارت داشتند و یک تحریریه قدرتمند نیز انتشار و تداوم انتشار مجله نوپای «نبض» را تضمین می کردند.

حمایت مالی از انتشار ماهنامه نبض که «ویژه بازآموزی جامعه پزشکی» کنار اسم آن درج شده بود از سوی دفتر علمی شرکت پخش البرز (آقای دکتر خداخواه) و حمایت معنوی از سوی مرکز بازآموزی و آموزش‌های آزاد معاونت آموزشی وزارت بهداشت (آقای دکتر منوچهر محسنی) صورت می گرفت. نبض با تیراژ ۱۰۰۰۰ به صورت رایگان برای واجدان شرایط شرکت در بازآموزی ارسال می شد. بر جبین صفحه اول همه شماره‌های نبض شعر مولانا که با خطی خوش نگاشته شده بود فلسفه آموختن و آگاهی یافتن و بازآموزی را یادآوری می کرد.

نبض خشکی و یکنواختی «نسخه» را نداشت. به مسایل صیرف پزشکی نمی پرداخت، کاریکاتور چاپ می کرد (در پایان بعضی مقالات) و در صفحه آخرش هم از اشعار کلاسیک بهره می گرفت. جلد زرد رنگ نبض در شماره‌های نخست توی ذوق می زد اما «وقتی عادت کنی، جذاب هم هست»، این عبارت دکتر جهانگیری بود که بعد از چند ماه گرفتن «نبض» و خواندن آن برایم مسجل شد. از جلد گلاسه نبض که





می‌گذشتی کاهی بودن کاغذ توی ذوق زن می‌شد انگار خواسته شده بود که با کمترین هزینه ممکن مجله منتشر شود اما وقتی عنوان مطلب و خلاصه طبق معمول جذاب دکتر جهانگیری را بر بالای مقاله وزیر عنوان می‌دید کاهی بودن کاغذ را هم فراموش می‌کردی، محتوای نبض بود که از «کاهی» [منظورم کاغذ کاهی] کوهی می‌ساخت، کوهی از مطالب جدید، جذاب و خواندنی، کوهی که حتی وقتی طبق روال در هفت سالگی انتشارش متوقف شد (به کدام دلیل؟)، ماند ... و من که دوره‌های نسخه را صحافی کرده بودم نبض‌ها را نیز با چنین تمهیدی ماندگار کردم در کتابخانه خودم و حالا که ورق می‌زنم یک حس نوستالژیک در گوشه دلم زنده می‌شود و سرک می‌کشد و به قول شاعری «گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود» خودی که ۱۵ سال پیش از دیدن و خواندن نبض شادمان می‌شد و ... حالا در پستوی خاطرات به سراغ آن شادمانی‌های کوچک ولی شیرین می‌رود.

نبض مقالات پژوهشی هم چاپ می‌کرد و نیز اخبار سمینارها، گردهمایی‌ها و کنگره‌ها را هم به اطلاع می‌رساند، منظم بود تقریباً. چون دقیق به خاطر ندارم. تا زمانی که بود بدون تاخیر منتشر شد. از نبض پیشگفتار اولین شماره در صفحات بعد از نظر مبارکتان خواهد گذشت.

عبدالله سبحان را شکر گروم و رحمت بی‌پایان ذات اقدس الهی را مدح کردن اتمام فرصت مناسبی است که آغاز این کلام را زبانی در حق خواهد داد. اینکه در فرآیند عظیم انقلاب اسلامی نیاز به پر کردن حفره‌های فرهنگی در سطوح مختلف بطور اعم و در زمینه‌های دارو و درمان تخصصی نبض، محسوس بوده است، نشر به ظاهر نیز برآمده از این چنین احساسی است که در جای خود با غایت خداوندی می‌تواند در جهت ارتقاء بنی بنی پزشکی همگاران پزشک و داروساز نفس ارزنده‌ای داشته باشد. لیکن آنچه که الزاماً می‌بایست در اذهان دست‌درگاران، قلم‌بدستان و اندیشمندان شکل گیرد عبارتست از بهره‌گیری از گنجینه‌ها و ذخایر پربار اسلامی که در زمینه مسائل بهداشتی و درمانی در دل نسل و خصوصاً اصیل اسلامی نبض نهفته بوده است. یعنی زمینه تطبیق اروپائیان فرار گرفتند. هر چند سال پراختن به طرح جدی نظام ژنتیک به شیوه کاملاً علمی و متناسب با ارزشهای برآمده از انقلاب اسلامی در سطح جامعه پزشکی به این ترتیب نیازمند است. طرح ژنتیک در مقام بگم نوآوری که با جمع‌بندی تمامی ابعاد تحولی همین در نظام دارو درمانی کشور بوجود آورده است. همین این حرکت اروپا تمام جهات اولیه، توزیع و ورود را متاثر میکند و اینک بهنگام است اگر زوایای این طرح انقلابی را در ارتباط ننگارنگ با مسائل درمانی بوضوح به همکاران محترم پزشک و داروساز معرفی نمائیم. همکاری پزشکان سراسر کشور بشنونه عظیمی است که نگاهها و نارسایی‌های اجرای طرح را بعداقل برساند و چنانچه انتقاد اطلاعات و سیاست‌گذار بهانه موجود نباشد. از طریق این نشر به بنحوی مطلوب به اطباء و داروسازان کشور صورت گیرد طبیعتاً این راه مشکل و صعوبت‌العبور را هموار می‌نماید.

مجله‌ای که در پس رو دارد حاصل ماهها تلاش برادرانی است که هر صده گشودن روزی‌ای به دنبال زبانی علم‌اند، دانش‌پژوهان و دانشوران بحال ملت معلوم و سینه‌به‌سینه کشورمان را به برخورد فعال با این مجله و نقادی دانش‌پژوه به آنچه که از این طریق مطرح میشود دعوت میکند و از عبدالله بزرگ میخواهم که این مجله بتواند در جهت حل نسبی مسائل دارو و درمان بعد افضاء منظر نظر کند که نهایت آرزویمان بسودت راه شهدای اسلام است و قدر دانستن خون پاکشان. ومن‌والله اعلم

وزیر بهداشت  
دکتر هادی منافی

### تحت نظر:

- رئیس هیأت تحریریه: دکتر رضاملک زاده
- هیأت تحریریه:  
دکتر مرتضی آذرینوش / دکتر پرویز ادیب‌فر / دکتر منوچهر دوانی / دکتر محمدرضا زالی / دکتر زهرا صراف / دکتر محمدرضا فروتن / دکتر احمد قدس / دکتر منوچهر محسنی / دکتر علیرضا مرتضی / دکتر ایرج میلانیان
- دبیر هیأت تحریریه: دکتر بیژن جهانگیری
- مدیر مسئول: دکتر اکبر خداخواه
- ناشر: مرکز باور آموزشی و آموزشی آزاد معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری دفتر علمی شرکت پخش الیز

جان نباشد جز خنجر در آزمون  
هر که را افزون خنجر جانش فرین  
افشای جان چو ایدل گئی است  
هر که آید تر بود جانش قوی است  
جان ما از جان حیوان بیشتر  
از چه زان رو که فنون او خنجر  
سود

بسم الله الرحمن الرحيم

## پیشگفتار

مجله نپش  
... در آزمون سال ۱۳۹۲

اجرای قانون مهم و مترقی بازآموزی و نوآموزی جامعه پزشکی کشور از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که در نیمه دوم سال گذشته از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت وظایف متعددی را در این حیطه بسیار گسترده برای ما مطرح ساخت که از آن جمله است انتشار برخی نشریات علمی به عنوان بخشی از فعالیتهای بازآموزی. با توجه به این هدف کلی از مدتی پیش مطالعات مقدماتی آغاز گردید و در ابتدا تصمیم گرفته شد که نشریه ای بنام آموزش مداوم در پزشکی انتشار یابد که هدف آن اساساً اشاعه فرهنگ آموزش مداوم پزشکی در جامعه پزشکی کشور باشد و جای بسی خشنودی است که این مهم به همت همکاران ما تحقق پذیرفت و هم اکنون سومین شماره آن در دست انتشار است. موضوع دیگری نیز که در همین زمینه مورد بررسی قرار گرفت انتشار یک مجله علمی خاص، بریزه برای پزشکان عمومی شاغل در کشور بود و این مطالعات به ایجاد مجله نپش منجر گردید. واقعیت آن است که مجله نپش یک مجله معمولی پزشکی به شکل متعارف نیست، بلکه از نظر شکلی و محتوا به گونه ای طراحی گردیده است که به عنوان بخشی از برنامه های بازآموزی به حساب آید. آموزشی مبتنی بر هدف را عرضه نماید، و بالاخره مندرجات آن با نیازهای بازآموزی در رابطه باشد. براین اساس تلاش فراهم آوردگان این مجله آن بوده است که با نظرخواهی از استادان، ساخت و ترکیب علمی آنها با اهداف بازآموزی

همان‌گونه سازند.

رسالت نشریه‌ای که اهداف آموزش مداوم در پزشکی را در نظر دارد بدیهی است تنها در عرضه آخرین دست‌آوردها و تازه‌های علمی در رشته‌های مختلف و یا تحکیم آموخته‌های صحیح قبلی خوانندگان خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌باید آنان را با: ساخت و سازمان عرضه خدمات بهداشتی درمانی کشور، فعالیت‌های مراکز علمی و آموزشی در سطح کشور و دنیا، انواع نشریات، مجلات، کتب، نرم‌افزارها، و بطور کلی منابع علمی آشنا سازد. تحکیم پیوند میان اعضاء جامعه پزشکی بایکدیگر که روابط میان تخصص‌های مختلف پزشکی را شامل می‌شود از یکسو و عرضه اطلاعات کلی و عمومی مرتبط با امور پزشکی اعم از قوانین و مقررات، رویه‌های اداری و اجرایی، صدور گواهینامه‌های پزشکی، مسائل پزشکی قانونی، بیمه، و مباحث خدمات درمانی از جمله مقوله‌های دیگری است که فعالیت در این زمینه‌ها بر این مجله فرض است. به گونه‌ای که اشاره شد بازآموزی طیفی گسترده از فعالیتها را شامل می‌شود و در نهایت هم توانمندی حرفه‌ای شاغلین را افزایش میدهد و آنان را به کارشناسانی خبره مبدل می‌سازد و هم کیفیت خدمات بهداشتی درمانی را در جامعه ارتقاء داده و سلامت بیشتر افراد را تأمین خواهد کرد.

وظائفی که ذکر شد بسیار گسترده و در عین حال ارزشمند است و از خداوند متعال توفیق همکاران را آرزو دارم.

دکتر رضا ملک‌زاده  
دبیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



از هفته نامه «پزشکی امروز» تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۶۱۳ شماره، ۱۲ صفحه‌ای منتشر شده است. تلاش ۱۵ ساله آقای دکتر فرخ سیف بهزاد صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه در کنار مدیر اجرایی سخت کوش آن منوچهر صیادی شایسته تقدیر است. این هفته نامه که به نقل از آخرین شماره‌اش (۶۱۳)، دارای

شمارگان ۴۳۰۰۰ نسخه است، از شماره نخست به صورت رایگان برای تمامی پزشکان ارسال شد در عوض نیمی از صفحات این نشریه چهاررنگ که روی کاغذ سفید و مرغوبی چاپ می‌شود به آگهی اختصاص دارد. از آگهی‌های دارویی تا آگهی‌های مسافرتی و فروش خودرو ... در آن

به چشم می خورد. مطالب علمی نشریه در مواردی بسیار کوتاه و در موارد کمتری بسیار بلند است. صفحه آرایی «پزشکی امروز» خاص خودش است. از بسیاری از مطالب و مقالات در نیم تالی صفحه اول عنوانشان یا حداکثر یک پاراگراف نقل می شود باقی مطالب را باید در صفحات داخلی - هر جا که آگهی ها اجازه بدهند - پیدا کرد و خواند. تقریباً در تمامی مطب ها روی میز اطاق انتظار پزشکی امروز به چشم می خورد.

«پزشکی و جامعه» ماهنامه علوم پزشکی و تندرستی به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی آقای دکتر حمید درخشانی و سردبیری آقای هوشنگ فتحی منتشر می شد. سال ۱۳۷۱ سال شروع و سال ۱۳۷۳ سال پایان انتشار این ماهنامه متنوع و دوست داشتنی بود.

این ماهنامه روی دکه روزنامه فروشی هم می نشست و با قیمت های یکصد و بعد یکصد و بیست تومان (که برای خوانندگان ۱۵ سال پیش قیمت کمی نبود)، به فروش می رسید. درخشانی که جراح پلاستیک است به انتشار مجله عشق داشت و فتحی نیز به صورتی حرفه ای مجله را می چرخاند. مدتی نیز همکار خوبمان دکتر بهنام اسماعیلی تهیه کننده و مترجم بسیاری از مطالب مندرج در این ماهنامه بود و همین طور گهگاه جناب استاد دکتر بهزاد نیز برای این مجله مطلب



می نوشتند. «پزشکی و جامعه» جایگاه سرمقاله هایی بود که خود مدیرمسئول می نوشت، علاوه بر آن مطالبی در مورد بیماری ها، محیط زیست، طب زیبایی، طب پیشگیری، تازه ها، طب و تغذیه و مطالبی در قالب طنز نیز در آن به چاپ می رسید. این ماهنامه به نحوی چشمگیر از عکس و طرح های گرافیکی استفاده می کرد. به یک نمونه از مطالب مندرج در شماره ۱۲ - آذر ۱۳۷۲ این مجله عنایت بفرمایید: «کاهش ضریب هوشی در ...». تنها آگهی درج شده در مجله «پزشکی و جامعه» مربوط می شد به کارخانه سوپا که در آن زمان به همت دکتر درخشانی ساخته شده و جای خالی صنایع ساخت وسایل یک بار مصرف پزشکی را پر کرده بود.

### کاهش ضریب هوشی در کودکان به علت برخورد مزمن با مقادیر کم سرب

در مورد تاثیر مقادیر کم سرب در ایجاد اختلالات یادگیری یا عقب افتادگی ذهنی در کودکان بحث و اختلاف نظر زیادی وجود داشته است. برای حل این مشکل پژوهشگران استرالیایی گروهی از کودکانی را که در محیط آلوده به سرب زندگی می کردند از سال ۱۹۷۹ مورد بررسی و پیگیری قرار داده و اطلاعاتی در مورد متغیرهای مختلف انسان شناختی و زیست شناختی که بر میزان ضریب هوشی تاثیر می گذارند، جمع آوری کردند. قبلاً طی گزارشی اعلام شده بود که به دنبال برخورد با مقادیر کم سرب در سنین ۲ تا ۴ سالگی آثاری از اختلال تکاملی مشاهده شده است. در گزارش تازه این گروه در مورد ۴۹۴ کودک (که در حال حاضر ۷ ساله اند) نشان داده شده که این اختلال تکاملی ادامه می یابد.

بعد از تنظیم عوامل مختلف از لحاظ آماری (شامل وضعیت اجتماعی-اقتصادی، وزن هنگام تولد و آموزش والدین) نشان داده شد که میزان ضریب هوشی کودک با غلظت سرب خون مادر قبل از زایمان و غلظت سرب خون کودک (به خصوص در سنین ۱۵ ماهگی تا ۴ سالگی) نسبت معکوس دارد. در آنالیز رگرسیونی اطلاعات آماری مشخص شد که در صورت افزایش غلظت سرب از ۱۰ میکروگرم در دسی لیتر به ۳۰ میکروگرم در دسی لیتر میزان ضریب هوشی ۴/۴ واحد کاهش می یابد. میانگین مقادیر ضریب هوشی به ازای بالاترین میزان سرب ۲/۷ درصد و به ازای کمترین غلظت سرب ۱۲ درصد تغییر داشت. منتقدان تاکنون عقیده داشته اند که ارتباط واقعی بین برخورد مزمن با مقادیر کم سرب و کاهش ضریب هوشی وجود ندارد و این امر بیشتر نشانگر عوامل پیچیده اجتماعی یا زیست شناختی است، اما در این مطالعه نظریه مخالفان رد شده و مشخص شده است که برخورد طولانی مدت با مقادیر کم سرب تاثیر مستقیمی در اختلال ضریب هوشی کودکان دارد.

امسال هشتمین سال انتشار هفته نامه « نوین پزشکی» است. این هفته نامه انتشار خود را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرد. صاحب امتیاز این هفته نامه موسسه فرهنگی ابن سینای بزرگ، مدیرمسئول دکتر امیرعباس فتاح زاده و رئیس شورای سیاستگزاری آن دکتر شهرام یزدانی است. «نوین پزشکی» که بعدها هفته نامه های «سلامت» و بعدتر «سپید» را هم در برنامه انتشار خود قرار داد از همان آغاز شیوه ای بدیع را برای انتشار مقالات پزشکی روز دنیا به فارسی برگزید. از طریق اینترنت دسترسی به مقالات کامل نشریات معتبر جهانی فراهم شد، یک تیم توانا و عمدتاً جوان مقالات را انتخاب و گروهی دانشجویی نخبه آن ها را ترجمه می کرد و با تلاش یک ویراستار توانا مقالات آماده و با این تدبیر در کمترین



فاصله زمانی ممکن مقالات جدید پزشکی در دسترس مخاطبان ایرانی قرار می‌گرفت.

تمامی مطالب هفته‌نامه (به جز دو سه صفحه که ویژه درج اخبار داخلی در زمینه‌های مرتبط پزشکی است) ترجمه است اغلب آن‌ها هم ترجمه‌ای مناسب و قابل قبول دارند. مقاله‌های مروری که گاه امتیاز بازموزی نیز برایشان اعلام می‌شود، بسیار خواندنی هستند شماره‌های اولیه مجله شمایی جدید و ساده به سیاق مجله لانست داشت اما کم‌رنگی و جذاب شد و پای چاپ آگهی هم در آن باز گردید. در آخرین شماره، روی جلد، پشت جلد، داخل جلد و ۸ صفحه از صفحات داخلی به آگهی اختصاص یافته است که با توجه به سنگینی هزینه‌های انتشار چنین هفته‌نامه‌ای با کیفیتی عالی، موجه و قابل قبول می‌نماید.

«درد» ماهنامه‌ایست که بر پیشانی آن چنین درج شده: «نخستین نشریه پزشکی تمام‌رنگی برای عموم مردم» صاحب امتیاز و مدیرمسئول این ماهنامه همانند دو هفته‌نامه طبیب دکتر فرهاد تیمورزاده است. این ماهنامه عمدتاً به قصد اطلاع‌رسانی در زمینه فعالیت‌های انتشاراتی موسسه تیمورزاده منتشر می‌شود اما مطالب علمی و خواندنی جذابی دارد که با عکس‌های جالب و با کیفیت بالا بر کاغذ مرغوب نقش بسته است. از ابتکارات ماهنامه درد استفاده زیاد و البته به‌جا از تصاویر است حتی عکس نویسنده با ذکر رشته تخصصی و آدرس ایشان نیز در ابتدای هر مقاله آمده است. بیش از ۵ سال سابقه انتشاراتی درد آن را در شمار نشریات نسبتاً جوان قرار می‌دهد. مطلب برگزیده از این نشریه با عنوان «نقش چربی در تغذیه ورزشکاران» به قلم آقای دکتر حمید زعیم کهن از نظرتان خواهد گذشت. سال آغاز انتشار درد به ۵ سال قبل برمی‌گردد: ۱۳۷۹.



## نقش چربی در تغذیه ورزشکاران

**در ۵:** به عنوان اولین سوال مختصری درباره چربی‌ها و ساختمان آن‌ها بفرمایید؟  
چربی‌های منابع مناسب و فشرده‌ای از انرژی بوده که در آب نامحلول هستند. چربی‌ها دارای اسیدهای چرب قابل مصرف برای انسان هستند و به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. در اثر تجزیه چربی ساده فقط اسید چرب و الکل به دست می‌آید در حالی که از چربی مرکب علاوه بر اسید چرب و الکل ترکیبات دیگری مانند قند و پروتئین نیز ایجاد می‌شود. از چربی‌های ساده می‌توان اسیدهای چرب، گلیسیریدها و موم‌ها و از چربی‌های مرکب می‌توان فسفولیپیدها و اسفنگولیپیدها را مثال زد.

**در ۵:** درباره اهمیت چربی‌ها در تغذیه انسان بفرمایید؟  
انرژی حاصل از یک گرم چربی دو برابر قند و پروتئین و برابر ۹ کیلوکالری است بنابراین به دلیل انرژی‌زایی، چربی‌ها اهمیت خاصی در جیره غذایی دارند. چربی‌ها در بافت چربی که به آن آدیپوز می‌گویند ذخیره شده و در هنگام نیاز آزاد و به مصرف می‌رسد.

**در ۵:** آیا تمامی اسیدهای چرب مورد نیاز انسان در بدن ساخته می‌شوند؟  
خیر. اسیدهای چرب کلاً به دو دسته اشباعی و غیر اشباعی تقسیم می‌شوند. در بین اسیدهای چرب غیر اشباعی، اسید لینولئیک، اسید لینولنیک و اسید آراشیدونیک اسیدهای چرب ضروری هستند، به این معنی که در بدن ساخته نمی‌شوند و لازم است همراه مواد غذایی به بدن برسند بنابراین کمبود این اسیدهای چرب باعث ایجاد عوارض می‌شود.

**در ۵:** نقش چربی‌ها در تامین انرژی فعالیت‌های انسانی چقدر است؟  
چربی‌ها منبع انرژی اولیه به حساب می‌آیند و حدود ۷۰ درصد از کل انرژی مورد نیاز بدن در حالت استراحت و پنجاه درصد انرژی مورد نیاز را در ورزش‌های سبک تا متوسط تامین می‌کنند. در ورزش‌های طولانی که بیش از سه ساعت طول بکشد چربی‌ها تا ۸۰ درصد انرژی مورد نیاز را تامین می‌کنند.

**در ۵:** به غیر از تامین انرژی، چربی‌ها چه نقشی در بدن انسان دارند؟  
چربی‌ها ترکیب اصلی و اساسی غشای سلولی و همچنین جزء اصلی فیبرهای عصبی و محافظ ارگان‌های حیاتی هستند. تمامی هورمون‌های استروئیدی بدن از کلسترول ساخته می‌شوند، بسیاری از ویتامین‌ها یعنی ویتامین‌های محلول در چربی فقط از طریق چربی‌ها وارد بدن می‌شوند و چربی زیرپوستی افراد سبب حفظ تعادل گرمایی و حرارت بدن می‌شود.

**در ۵:** چربی‌های بدن در کجا ذخیره می‌شوند و چگونه مورد مصرف قرار می‌گیرند؟  
چربی‌ها به طور معمول در بافت چربی و مقداری کمی نیز در عضلات ذخیره می‌شوند. مقداری نیز به صورت کلسترول و تری‌گلیسیرید در خون جریان دارد. در هنگام فعالیت‌های ورزشی سبک تا متوسط یعنی تا حدود چهل درصد حداکثر توان هوازی ( $VO_{2max} < 40\%$ ) منبع اصلی تامین انرژی چربی‌ها هستند که از طریق اسیدهای چرب آزاد موجود در پلاسما می‌توانند تامین می‌شوند. هنگامی که شدت فعالیت ورزشی افزایش می‌یابد مقدار، نقش و درصد چربی‌ها کاهش یافته و از طریق گلیکوژن عضلات و گلوکز خون تامین می‌شود.  
در فعالیت‌های ورزشی به خصوص تمرینات استقامتی و طولانی مدت با مصرف و کاهش مقدار گلیکوژن عضلات، نقش تامین انرژی از طریق چربی‌ها افزایش می‌یابد.

**درد:** مقدار درصد چربی بدن ورزشکاران چقدر باید باشد؟

در افراد طبیعی مقدار درصد چربی در مردان تا ۲۵ درصد و در زنان تا ۳۵ درصد طبیعی محسوب می‌شود. در ورزشکاران با توجه به این که در چه رشته‌ای فعالیت می‌کنند مقدار درصد مطلوب چربی بدن متفاوت است. مسلماً در رشته‌های سرعتی و قدرتی مقدار آن کم و در رشته‌های استقامتی مقدار درصد مطلوب بیشتر است.

**درد:** در برخی رشته‌های ورزشی، ورزشکاران درصد چربی بدن را بسیار پایین می‌آورند و تصور می‌کنند هیچ‌گونه خطری ندارد، نظر شما چیست؟

امروز ثابت شده است که میزان درصد چربی بدن ورزشکاران یکی از عوامل مطلوب در آمادگی و توانایی‌های جسمانی است که می‌تواند در موفقیت ورزشکاران تاثیرگذار باشد. این میزان درصد در هر رشته ورزشی متفاوت است. اما نکته بسیار مهم این که هرگز درصد چربی بدن ورزشکاران نباید کمتر از هفت درصد وزن ایشان شود. همان طور که گفته شد چربی‌ها نقش اساسی در غشای سلولی، فیبرهای عصبی و هورمون‌های استروئیدی دارند. بنابراین چنانچه درصد چربی بدن از هفت درصد کمتر شود شاهد اختلالات و بیماری‌هایی در سیستم عصبی، غدد و متابولیسم خواهیم بود و چه بسا که زندگی فرد را نیز به خطر بیناندازد.

**درد:** به خاطر همین باور غلط، بسیاری از ورزشکاران از مصرف چربی دوری می‌کنند از طرف دیگر بسیاری از ورزشکاران نیز به خاطر حفظ وزن یا کاهش وزن از مصرف چربی دوری می‌کنند، توصیه شما چیست؟

فراموش نشود در هر حالتی ۲۰ تا ۲۵ درصد منابع انرژی مورد نیاز فعالیت‌های ورزشی باید از طریق چربی‌ها تامین شود. از طرف دیگر اسیدهای چرب ضروری و ویتامین‌ها از طریق مصرف چربی‌ها تامین می‌شود بنابراین حذف کامل چربی از رژیم غذایی ورزشکاران در هر شرایطی بسیار اشتباه است.

**درد:** در پایان لطفاً جمع‌بندی و توصیه خود را بفرمایید؟

چربی‌ها یکی از مواد مورد نیاز بدن برای تولید انرژی است. حذف آن از رژیم غذایی بسیار اشتباه است و می‌تواند موجب بروز اختلالات و بیماری‌ها شود. از طرف دیگر مصرف بیش از حد و ناگهانه آن نیز می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌ها شود. همانند تمامی مواد مورد نیاز بدن باید دقت کرد که حداقل و حداکثر چقدر چربی می‌توان مصرف نمود و از طرف دیگر کیفیت آن نیز مطرح است. مقدار و درصد مصرف چربی‌های اشباع و غیر اشباع می‌تواند ضامن سلامت و پیشگیری‌کننده بسیاری از بیماری‌ها باشد.

«دارو و درمان» بعد از تعطیل دوره اول و وقفه‌ای چند ساله در بهمن سال ۱۳۸۰ دوره دوم انتشار خود را در شمالی‌ی متفاوت آغاز کرد. صاحب امتیاز ماهنامه و نیز مدیرمسئول آن همانند دوره اول به ترتیب شرکت داروپخش و آقای دکتر مرتضی آذرنوش هستند. رویکرد غالب بر «دارو و درمان» دوره جدید مسایل حرفه‌ای حیطه‌های پزشکی است.

شمارگان دارو و درمان ۵۰۰۰ و بهای هر جلد آن ۳۰۰ تومان ذکر شده مجله از حدود ۲ سال قبل با کسب مجوز از دفتر بازآموزی (آموزش مداوم) وزارت بهداشت اقدام به درج مقالات بازآموزی نمود که پزشکان عمومی و داروسازان به ازاء پاسخ به سوالات این مقالات در هر شماره ۱/۵ امتیاز خودآموزی کسب می‌کنند.





برخلاف دوره اول، ماهنامه پذیرای آگهی در حدی معقول و متناسب با صفحات خود (۶۴ صفحه) بوده در هر شماره چند صفحه خود را نیز به درج مشخصات و برنامه های انجمن های جامعه پزشکی اختصاص داده است. آدرس انجمن ها، نام رئیس هیات مدیره و دبیر همراه با ذکر شماره تلفن امکان تماس با آن ها را تسهیل کرده است. در صفحات دیگر اطلاعات فشرده ای در مورد شرکت ها و تولیدکننده های دارو و مواد مرتبط با صنایع داروسازی درج شده است. خبرهایی از انجمن علمی - تخصصی چندین صفحه مجله را به خود اختصاص می دهد ولی چنانکه نوشته شد «غلبه یک نگاه حرفه ای» دارو و درمان دوره جدید را که بیش از چهار سال از تولد مجددش می گذرد بیش از سایر بخش ها، خواندنی کرده است به نقل از شماره اسفند ۱۳۸۴ بخشی از مقاله مفصل «داروسازی به مثابه پروفشن» از نظرتان خواهد گذشت:



### داروسازی به مثابه پروفشن

#### تجربه های جهانی برای بازسازی داروسازی

شورای عالی داروخانه ها دومین نشست ماهانه خود را روز جمعه ۵ اسفند ماه ۱۳۸۴ در سالن اجتماعات انجمن داروسازان ایران برگزار کرد. بخشی از گزارش اصلی این شماره «دارو و درمان» به ارائه فشرده مطالب مطرح شده در آن نشست اختصاص داده شده است. ظاهراً قرار است نخستین جمعه هر ماه داروسازان فعال در داروخانه ها گرد هم آیند و به بررسی مشکلات داروخانه ها و ارائه راهکارهای حل آن ها بپردازند. پرسش این است: مشکلات داروخانه ها چیست؟ و شورای عالی داروخانه ها برای حل آن ها چه می تواند کرد؟ و مهم تر، مطالب ارایه شده در این نشست های ماهانه تا کی تازه و بدیع خواهد ماند و به تکرار مکررات منجر نخواهد شد؟ اگر قرار باشد مطالبی که در این نشست ها ارایه خواهد شد همچنان تازه و بدیع باشد و سبب حضور هر چه بیشتر داروسازان در این نشست ها شود، در آن صورت، مسؤلیت برگزار کنندگان نشست های ماهانه شورای عالی داروخانه ها بسیار دشوار خواهد بود و جا دارد که برای هر نشست، تعدادی از داروسازان پیشکسوت، نسبت به مسائلی که پروفشن داروسازی در ایران با آن ها دست و پنجه نرم می کند، تحقیق و پژوهش کنند و نتایج این

پژوهش‌ها را به صورت گزارش یا کارگاه آموزشی در اختیار همکاران قرار دهند. در غیر این صورت این نگرانی وجود دارد که با تکراری شدن مطالب ارایه شده در این نشست‌ها، از مشارکت داروسازان نیز کاسته شود و چراغی که با امیدهای فراوان روشن شده خاموش شود. به همین خاطر است که «دارو و درمان» می‌کوشد در هر شماره خود، مطلب تازه‌ای در مورد داروسازی به مثابه پروفشن فراهم آورد و در اختیار داروسازان علاقمند قرار دهد. در گزارش اصلی این شماره نشریه، علاوه بر ارایه فشرده مطالب مطرح شده در دومین نشست شورای عالی داروخانه‌ها، ترجمه سندی از «انجمن سلطنتی داروسازی بریتانیای کبیر» نیز ارایه شده است. عنوان اصلی این سند «مناسب برای آینده» است. داروسازان پروفشنال ایرانی از مطالعه این سند به نکات بدیع فراوانی پی خواهند برد. با این همه جا دارد که در این مختصر بعضی از این نکات مورد توجه قرار گیرد.

مطالعه اسناد مربوط به «شورای خبرگان»، که یک نهاد بسیار قدیمی در انگلستان است، نشان می‌دهد که تقریباً تمام «پروفشن»ها یک نهاد نظارتی دارد که در چارچوب قوانین مصوب پارلمان تشکیل می‌شوند، اما به «شورای خبرگان» پاسخگو هستند. این نهادهای نظارتی از سوی اعضا منتخب هر پروفشن مدیریت می‌شوند. همین نهادهای نظارتی مسؤلیت احراز صلاحیت اعضا حرفه‌ها را بر عهده دارند و اعضا با صلاحیت را رجیستر کرده و به آنان پروانه فعالیت اعطا می‌کنند. بدیهی است رسیدگی به تخلفات انتظامی و پروفشنال اعضا پروفشن‌ها نیز بر عهده همین نهادهای نظارتی است.

«شورای عمومی پزشکی» یکی از همین نهادهای نظارتی است که مسؤلیت صدور پروانه فعالیت پزشکان در انگلستان را بر عهده دارد. همین نهاد است که صلاحیت دانشکده‌های پزشکی را تایید یا رد می‌کند. برنامه‌های آموزشی این دانشکده‌ها را تعیین کرده و پس از احراز صلاحیت پزشکان علاقمند به طبابت در بریتانیا، به آنان پروانه فعالیت داده و به اصطلاح، آنان را رجیستر می‌کند.

گفتنی است که کل هزینه‌های «شورای عمومی پزشکی» بریتانیا، متناسب با درآمد پزشکان رجیستر شده از آنان دریافت می‌شود و همین پزشکان هستند که اعضا پزشک «شورای عمومی پزشکی» را انتخاب می‌کنند. می‌بینیم که «شورای عمومی پزشکی» در بریتانیا یک نهاد صرفاً نظارتی است و مسؤلیت رهبری و توسعه پروفشن بر عهده کالج‌های پزشکی سلطنتی است.

در میان تمام نهادهای نظارتی بر پروفشن‌ها، فقط «انجمن سلطنتی داروسازی بریتانیای کبیر» است که هم یک نهاد نظارتی است و هم مسؤلیت رهبری و توسعه پروفشن داروسازی را بر عهده دارد. با توجه به این توضیح‌های مقدماتی است که می‌توان هدف از تدوین گفتگوانامه‌ای که ترجمه آن در این شماره «دارو و درمان» ارایه شده دریافت. عنوان فرعی این سند این است: رهبری و توسعه پروفشنال چیست و «انجمن» چگونه باید آن را انجام دهد؟

می‌بینیم که، برخلاف سایر نهادهای نظارت بر پروفشن‌ها، «انجمن سلطنتی داروسازی» دو مسؤلیت متفاوت بر عهده دارد: یکی انجام نظارت بر عملکرد این پروفشن، و دوم، رهبری و توسعه پروفشنال داروساز در بریتانیا. از نظر این «انجمن» مساله نظارت و نحوه اعمال آن، به روشنی و از سوی دولت مشخص شده است. مساله این است که این «انجمن» چگونه مسؤلیت رهبری پروفشنال خود را اعمال کند؟

«رهبری و توسعه پروفشنال»، در واقع یک مقوله است که از چند عقیده وابسته به هم شکل گرفته است: باور به ارزش پروفشن داروسازی و اهمیت آن از نظر خدمت‌رسانی به مردم و عمل شرافتمندانه، احساس مسؤلیت در قبال واگذاری پروفشن داروسازی به نسل بعدی با وضعیت به مراتب بهتر از آنچه که تحویل گرفتیم، اذعان به ضرورت اتحاد داروسازان و، مهم‌تر، اذعان به این که آینده این پروفشن را نمی‌توان به قضا و قدر یا هوس‌های دولت‌های وقت سپرد. در بخشی از این سند تصریح شده است که: «پروفشن داروسازی باید حق تعیین سرنوشت خود را در دست گیرد».

سند «مناسب برای آینده» در واقع یک سند درون‌سازمانی و یک «گفتگوانامه» است. در این سند طرح‌های متعددی برای بازسازی «انجمن» معرفی و در اختیار تمام داروسازان گذاشته شده است تا نظرات خود را در مورد آن‌ها اعلام کنند. تامل در این سند نشان می‌دهد همکاران ما در کشور‌های دیگر تا چه اندازه حرفه خود را جدی می‌گیرند. شاید این مهم‌ترین نکته‌ای است که می‌توانیم از این سند بیاموزیم.

ماهنامه «داروسازی فردا» از ابتدای سال ۸۲ به صاحب امتیازی آقای دکتر



محمود مصدق و سردبیری آقای دکتر رضا ابوفاضلی با همیاری اعضای هیات علمی دانشکده داروسازی شهید بهشتی به صورت رایگان منتشر شد. وجه عمده و برجسته مجله علمی بودن مطالب برای مخاطبان عام (غیر متخصص) بود نشریه روی کاغذ سفید مرغوب با کیفیتی مطلوب چاپ می شد. مطالب متنوع آن ۵ صفحه

نشریه را خواندنی و صفحه آخر - ویژه آگهی - آن را دیدنی کرده بود. کتابدار سابقه دار و با تجربه دانشکده داروسازی آقای احمد نعیمی مدیر اجرایی و مسؤول هماهنگی امور مشترکین داروسازی فردا بود. انتشار نشریه احتمالاً به دلیل هزینه های سنگین چاپ و توزیع - شمارگان نشریه ۷۰۰۰ نسخه بود - آن در اوایل سال ۸۴ متوقف شد و دریغی شد بر دریغ های دیگر.

مطلب روبرو برگرفته از ماهنامه «داروسازی فردا»، نوشته همکار سخت کوش و پرتلاش رازی آقای دکتر فراز مجاب است.



شهریور ۱۳۸۲ مقارن با روز پزشک و داروساز ماهنامه علمی - تخصصی «نامه دارویی» به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی آقای دکتر فریدون سیامک نژاد و سردبیری آقای دکتر مجتبی سرکندی به میان داروسازان آمد. نشریه در ۴ صفحه روی کاغذ سفید مرغوب و با شمارگان ۷۰۰۰ به صورت رایگان برای همکاران پزشک و داروساز ارسال می شود هدف نشریه اطلاع رسانی در زمینه داروهای بود که در آن زمان شرکت پخش هجرت پخش آن ها را عهده دار بود. بعدها با جابجایی آقای دکتر سیامک نژاد

به پخش فردوس از آنجا که صاحب امتیاز «نامه دارویی» خود ایشان بودند انتشار آن دچار وقفه نشد اما داروهای مورد بررسی آن به حیطه جدید تغییر یافت. به هر حال مثل سایر اقدامات این برادر ارجمند قطعاً آینده برای نامه دارویی روشن







« منشور توان » ماهنامه علمی تخصصی دارویی و پزشکی است صاحب امتیاز این ماهنامه آقای دکتر سید محسن فروتن، مدیرمسئول آقای دکتر علیرضا شفاعی و سردبیر آن آقای دکتر افشین زرقی می باشند.

فروردین ۸۳ اولین شماره این ماهنامه منتشر می شود. کاغذ مرغوب گلاسه و چاپ رنگی مطالب خواندنی آن را، دیدنی و تحسین کردنی هم کرده است. صفحات متعددی دربرگیرنده آگهی هایی است که هزینه انتشار این ماهنامه نفیس را تامین می کند. هرچند ظاهراً سنگینی هزینه ها دارد دل و دست ناشران منشور را می لرزاند و آن ها نگران تحلیل رفتن توان مالی شان هستند.

مطلب انتخاب شده از اولین شماره منشور توان، یادی از استاد زنده یاد دکتر جواد فرید است که به قلم دکتر ابوالقاسم جویبان به رشته تحریر کشیده شده است.

توان بیشتری برای یارانِ ناشر « منشور توان » آرزو می کنیم.

#### یادی از زنده یاد استاد فرید

شادروان دکتر جواد فرید در سوم خرداد ۱۳۱۶ در شهرستان مراغه چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۴۱ در مقطع دکترای عمومی داروسازی از دانشگاه تبریز فارغ التحصیل شد و با استفاده از بورس تحصیلی دانشجویان رتبه اول دانشگاه ها جهت ادامه تحصیل در گرایش داروسازی صنعتی عازم کشور فرانسه گردید.



در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ تخصص از دانشگاه مون پلیه فرانسه و کسب تجربه کاری کوتاه مدت در صنایع داروسازی فرانسه جهت ادامه خدمت به ایران مراجعت و به عنوان معلم پیمانی در دانشکده علوم دارویی و آزمایشگاهی تبریز شروع به کار نمود.

در بهار ۱۳۴۹ ضمن احراز کرسی استادیاری داروسازی صنعتی، آزمایشگاه داروسازی صنعتی دانشکده را بنیان گذاری نمود.

در مهر سال ۱۳۵۱ به عنوان رئیس بخش تولید و اواخر همان سال به عنوان سردبیر مجله دانشکده داروسازی انتخاب شدند.

در آبان سال ۱۳۵۲ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافت، در مهر ماه سال ۱۳۵۳ به عنوان معاون دانشکده برگزیده شدند و از فروردین سال ۱۳۵۸ برای دو سال در سمت ریاست دانشکده داروسازی تبریز انجام وظیفه نمودند. در تابستان ۱۳۶۶ به مرتبه استادی داروسازی صنعتی ارتقا و در سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد نمونه از ریاست محترم جمهوری اسلامی لوح زرین دریافت نمودند.

پس از انقلاب اسلامی و برچیده شدن شرکت‌های دارویی چندملیتی دانش‌آموختگان داروسازی ایران فرصت به ظهور رساندن توانمندی‌های خود را پیدا کردند که در این بین خدمات فارغ‌التحصیلان دانشکده داروسازی تبریز که از شاگردان مرحوم دکتر فرید بودند، انکارناپذیر می‌باشد. ایشان از سال ۱۳۶۷ به عضویت کمیسیون ساخت و ورود دارو و مواد بیولوژیک وزارت بهداشت درآمدند و طی همین سال‌ها در راه‌اندازی دوره‌های تخصصی PhD داروسازی در دانشکده تبریز مشارکت فعال داشتند. تربیت فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها که در دانشکده‌های داروسازی ایران از اساتید آموزش و پژوهش در گرایش داروسازی صنعتی هستند، از مهم‌ترین باقیات صالحات استاد فقید می‌باشند. خدمت قانونی سی‌ساله مرحوم دکتر فرید در سال ۱۳۷۸ به پایان رسید. با وجود این استاد مجدداً دعوت به کار شد و نهایتاً از مهر سال ۱۳۸۱ به افتخار بازنشستگی نایل آمد.

آموختن یافته‌های جدید همواره از فعالیت‌های اصلی دانشگاهی استاد فقید بود به طوری که علاوه بر شرکت در اکثر مجامع آموزشی-پژوهشی داخل کشور در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۹ در کارگاه‌های آموزشی میکروانکسولاسیون و تهیه داروهای رتارد در فرانسه شرکت نمودند. عمده دروس تدریس شده توسط ایشان، شامل داروسازی صنعتی ۱ و ۲، داروسازی صنعتی پیشرفته و داروسازی صنعتی عملی در دوره‌های عمومی و تخصصی در دانشکده داروسازی تبریز می‌باشند. مشخصه بارز استاد، روحیه بزرگواری و همت‌والا در برخورد با نامالایمات روزگار بود و علی‌رغم این که از سال ۱۳۴۸ از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد و بارها در بیمارستان بستری و اعمال جراحی متعددی را تحمل نموده بود، همواره چهره‌های خندان و روحیه‌ای شاداب داشت و تکیه‌گاه محکمی برای همکاران و دانشجویان بود.

حاصل فعالیت‌های دانشگاهی مرحوم دکتر فرید، ۱۴ مقاله چاپ شده در مجلات خارجی، ۳۸ مقاله چاپ شده در مجلات داخلی، ۳۳ مقاله ارایه شده در مجامع علمی خارجی و داخلی، راهنمایی چهارپایان نامه تخصصی داروسازی و بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه عمومی داروسازی و تالیف و ترجمه دو جلد کتاب بوده است. نام دکتر فرید در صنایع داروسازی ایران کاملاً شناخته شده است و بدون شک جامعه دانشگاهی و صنعتی داروسازی ایران، یاد دکتر فرید را همواره در ذهن خود زنده نگاه داشته و بر تلاطم راه آن فقید بزرگواری در جهت اعتلای صنعت داروسازی کشور پای خواهند فشرد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

دو هفته نامه طبیب که در عنوان زیبا و خوش نویسی شده‌اش آمده: «ای طبیب جمله علت‌های ما» در ۸ صفحه رنگی با مقادیری آگهی و مطالبی علمی و اجتماعی از یاران تازه از راه رسیده است (۱۳۸۴). صاحب امتیاز و مدیرمسئول آن ناشر سخت‌کوش و نیز پرتلاش دکتر فرهاد تیمورزاده است که بنگاه انتشاراتی معتبری را سامان داده و چند سالی است در کار تامین حوائج «کتابی» اساتید، دستیاران و دانشجویان است. موفق هم بوده و چند دفعه‌ای هم به عنوان



ناشر برگزیده لوح تقدیر گرفته است. در هر حال ایشان طبیب را به رایگان برای تمامی صاحبان حرف پزشکی ارسال می‌کنند. مشی دو هفته نامه در صفحه

اول آن «علمی، اطلاع‌رسانی و صنفی» ذکر شده در شماره‌های ۱۵ این نشریه گفتگویی اختصاصی و مفصل با وزیر محترم بهداشت انجام داده است. مطالب پزشکی و دارویی هم در آن چشمگیر است. در شماره مورد اشاره با تنی از اساتید دانشگاه به مناسبت روز معلم و استاد گفتگویی کرده است. گفتگوی چاپ شده طبیب با سرکار خانم دکتر رسائیان یکی از اساتید برجسته و مورد علاقه دانشجویان را ملاحظه خواهید فرمود.



### گفتگو با خانم دکتر رسائیان استاد دانشگاه شهید بهشتی

«معلم تنها شعله‌ای است که نمی‌سوزاند»

#### ■ استاد چه شد که وارد رشته پزشکی شدید؟

باور دارم که باید همیشه کارهای سخت را اول انجام داد چون موفقیت در آن بقیه کارها را نیز آسان می‌کند. به نظر من پزشکی سخت‌ترین رشته بوده و هست چون تحصیل آن پایانی ندارد، مسؤلیت در آن بسیار و خطیر است و در تمام لحظات عمر، اخلاق فردی و حرفه‌ای از مشخصات این رشته است. از طرفی همیشه ارتباط پزشک را با بیمار و معنویت حاکم بر آن را تحسین می‌کرده‌ام و طبیعی است وقتی کسی را تحسین می‌کنید دوست دارید مثل او باشید، من هم پزشک شدم.

■ خانم دکتر به نظر من و خیلی از دوستانم روش تدریس شما یک روش خاص و برگزیده است که حتماً از استادی و هوش سرشارتان منشأ می‌گیرد. کلاس شما تنها کلاسی بود که بچه‌ها را مشتاقانه به خود جذب می‌کرد و حتی گریز پاترین دانشجویان برای کلاس شما فیزیولوژی گایتون را با اشتیاق ورق می‌زدند.

فکر می‌کنم در کلاس، دانشجویان را از چند نقطه نظر فعال نگه می‌دارم. یکی این که اطلاعات به‌طور مستقیم به دانشجویان ارائه نمی‌شود بلکه با یک طراحی قبلی از یک نکته یا سوال عادی و رونده آغاز می‌کنم و حلقه‌های اطلاعاتی را با استدلال تفهیم می‌کنم. در نتیجه از دانشجویان می‌خواهم با استفاده از این اطلاعات داده شده نتیجه را که ناشی از ارتباط منطقی بین حلقه‌هاست بازگو کنند. هر بخش از آن را کسی می‌گوید و مطلب کم‌کم به نتیجه می‌رسد و عنوان مطلب بیان می‌گردد و دیگر این که برای حضور در کلاس از نظر استاد و دانشجو آدابی وجود دارد که هم خود علاقمند به رعایت آن هستم و هم دانشجو را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانم. اگر در مسیر تدریس دانشجویی نظری کاملاً اشتباه بیان نمودم مورد تمسخر و تحقیر نه از طرف من و نه هیچ‌یک از دانشجویان قرار نمی‌گیرد بلکه آن اشتباه را ناشی از وجود حلقه گمشده‌ای می‌دانم که با سایر اطلاعات پیدا نکرده است و من با سعی در پیدا کردن آن حلقه گمشده فکر خود را فعال نگه می‌دارم و چون با فکر دانشجویان درس می‌دهم بنابراین برای خودم هم هیچ مطلبی تکراری نیست.

اگر وقت زیادی نخواهد سعی می‌کنم دانشجویی را که اشتباه کرده آنقدر از طریق سوالات دیگر کمک کنم تا خود او جواب را پیدا کند و اعتماد به نفس در او تقویت شود و دیگران نیز از موفقیت هم‌کلاسی خود خوشحال می‌شوند. اگر در هر جلسه فقط یک دانشجو به توان فکری خود مطمئن شود برای من کفایت می‌کند. آخرین یا اولین شرط یک کلاس خوب، نظم در تشکیل کلاس است، وقتی دانشجو مطمئن شود که استاد راس ساعت در کلاس خواهد

بود و شرکت در هیچ جای دیگر را به حضور در کلاس ترجیح نمی‌دهد پس او هم مثل استاد به سوی کلاس می‌رود.

■ **استاد، ابوعلی سینا فیلسوف بود و طبیب و ارتباط معنوی اش با شاگردان در حدی بالا ولی امروز این ارتباط معنوی از میان رفته است به عبارت دیگر فرق حکیم در گذشته و پزشک امروز چیست؟**

این عرف است که الگویی را که در تاریخ پزشکی دنیا اثر گذار بوده است نام ببریم و دیگران معمولی را با او مقایسه کنیم. نتیجه این مقایسه مشخص است ولی می‌دانیم که خلقت مغز انسان به آن درجه شگفت‌آور است که یک فرد توانایی آن را دارد که تمام آموخته‌های بشر را با سرعتی که مطلوب شرایط اوست بیاموزد اگر عمر او کفاف دهد. قبول دارید که حجم اطلاعات پزشکی در زمان ما با دوره این نابغه مشهور بسیار متفاوت است و با شیمی امروز با شیمی عصر زکریای رازی بسیار فرق کرده است. پس امروز کسب علم در حد اجتهاد برای یک فرد امکان پذیر نیست، به طور مثال دارنده درجه PhD یعنی Doctor of Philosophy یک فیلسوف است. مرسوم نیست که نام علمی بعد از این درجه نوشته شود زیرا او فقط در آن رشته تبحر ندارد و می‌تواند علوم دیگر را نیز بداند و با نگرش بسطی که باید پیدا کرده باشد در علوم دیگر نیز صاحب ایده و نظر است. این پاسخ شما از نظر علمی بود ولی از جهت اخلاقی و معنوی، مردم، بیماران و شاگردان همه امانت خداوند هستند و رعایت حقوق آنان با محبت و مهر، مرام یک حکیم است. اگر امروز به اطراف خود خوب نگاه کنید جمعیت زیاد، کلاس‌های بزرگ، تلویزیون و کامپیوتر، انسان‌ها را از ابعاد مختلف معنوی از هم دور و تنها از نظر اطلاعات به هم نزدیک کرده است و ضعف معنویت آنقدر مشهود است که عده‌ای وجود آن را مخصوص گذشتگان می‌دانند ولی این طور نیست. هنوز هستند دانشجویانی که استاد برایشان مراد است و پزشکانی که برای بیمارانشان حکیم، ولی گمنام می‌مانند و گمنام می‌میرند چون موج تبلیغات اجازه دیدن نور شمع را نمی‌دهد.

■ **خانم دکتر به عنوان آخرین سوال: شما اولین پزشک فیزیولوژیست ایران هستید. در سال ۲۰۰۳، انگلستان شما را به عنوان Scientist of the year انتخاب کرده، در سال ۲۰۰۵ در فهرست top hundred health professional قرار گرفته‌اید. قرار شده بیوگرافی شما همراه با یکی از اشعارتان به زبان فارسی در کنار نقاشی‌تان و طرحی که «در آئینه تحقیق» نامگذاری کرده‌اید با پرچم سه رنگ ایران در کتابی در انگلستان چاپ شود به نظر می‌رسد به اندازه افتخاراتتان از شما قدردانی نمی‌شود.**

اصولاً معنای کلمه افتخارات برابر زیاد روشن نیست. توان انجام کارهایی را داشته‌ام که آن‌ها را انجام داده‌ام و جایی می‌خواهد تا این کارها را به چاپ برساند. شبیه کاری که امروز شما کردید و می‌خواهید درباره کارم مطلب بنویسید. این نحوه پاسخ من به این سوال ناشی از این است که من انتظار قدردانی ندارم و معتقدم انتظار داشتن آدمی را کوچک و پویایی و امید را دهن می‌کند و این احساس مطلقاً با حرفه‌های معلمی و پزشکی سازگار نیست.

از این که در این دقایق نیز از شما بسیار آموختم سپاسگزارم.

ماهانمه منشور پزشکی «شفا» سال ۸۴ متولد شده اما اولین شماره سال دوم آن فروردین ۸۵ منتشر شد با جلد و کاغذ گلاسه، مرغوب و چاپ چهاررنگ، ۱۲ صفحه کامل آگهی در ابتدا، میانه و انتهای مجله درج شده اثری از قیمت در روی جلد و یا در صفحات دیگر آن دیده نمی‌شود اما وقتی مجله‌ای امور مشترکین دارد لابد باید به طریقی (شاید با پرداخت وجه؟) آن را مشترک شد. در هر حال صاحب امتیاز این ماهنامه نوقدم «کتاب شفا» و ناشر آن «منشور پزشکی - نشر مرسا» ذکر شده است. سردبیر دکتر حامد اختیاری و ریاست





هیات تحریریه با دکتر بیژن جهانگیری است. گروهی از اعضا هیات علمی دانشگاه‌ها و جمع دیگری تحریریه پرشمار «شفا» را شکل داده‌اند.

سرمقاله این شماره آن را برای شما برگزیده‌ایم. مطمئناً انتشار چنین مجله نفیسی از نظر کاغذ و چاپ جز با ادامه پذیرش آگهی امکان‌پذیر نیست و حتی اگر قیمت تک‌فروشی هم برای مجله در حد متعارف تعیین شود، (حدود هزار تومان) کمتر از ۲۰ درصد هزینه‌های انتشار آن را پوشش نخواهد داد. به هر حال به این هم تایی نوآمده خوش‌آمد می‌گوییم و در انتظار انتشار شماره بعدی آن چشم‌براه می‌مانیم.

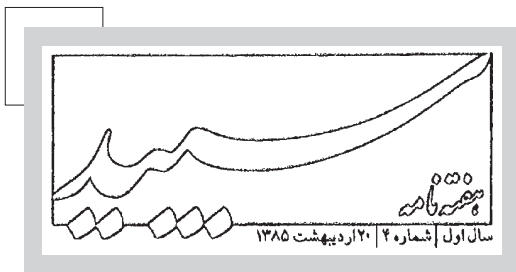


«سپید» هفته‌نامه ایست جوان و قبراق. انتشارش را از سال جاری (۱۳۸۵) آغاز کرده است. با قطع متریوی، در ۱۶ صفحه رنگی به قیمت ۲۰۰ تومان از سوی موسسه فرهنگی ابن‌سینای بزرگ به عنوان صاحب امتیاز منتشر می‌شود. مدیرمسئول این هفته‌نامه خواندنی که توزیع عمومی دارد امیرعباس فتاح‌زاده است.

موسسه فرهنگی ابن‌سینا و نیز دکتر فتاح‌زاده ناشر و مدیرمسئول هفته‌نامه سلامت نیز هستند که کیفیتی مشابه «سپید» دارد با مخاطبانی گسترده‌تر. «سلامت» برای عموم مردم منتشر می‌شود اما «سپید» شاخه گروه‌های پزشکی «سلامت» است. همه دست‌اندرکاران حرف پزشکی نکته‌ای خواندنی و جدید و بدیع در «سپید» خواهند یافت. تقریباً در اکثر صفحات و در نیم‌تای پایینی

نشریه سپید و سلامت آگهی درج شده و می‌شود. مانایی نشریه را به دلیل وفور آگهی‌های مرتبط با دارو و تجهیزات پزشکی می‌توان تضمین شده ارزیابی کرد.

از آنجا که در چند شماره هفته‌نامه «سپید» پرداختن به امور مربوط به دارو جایگاهی دارد به عنوان و برای معرفی یک همپای خوب برای



در دنیای امروز، سرعت فوق تصور پیشرفت دانش بشری و گشایش دروازه‌های جدید، فراروی دانشمندان و محققان علوم مختلف، لزوم اطلاع‌رسانی صحیح، سریع و هدفمند را بیش از پیش آشکار ساخته است. روزانه بر انبوه اطلاعات دانش پزشکی با تکیه بر پیشرفت‌ها زیست‌شناسی سلولی و مولکولی، پیدایش فن‌آوری‌های نوین و گسترش ابزارهای تبادل اطلاعات افزوده می‌شود و همراهی با دانش روز را دشوار می‌سازد.

بدیهی است که در شرایطی این‌گونه، ابزارهای اطلاع‌رسانی بومی که علاوه بر بهره‌گیری از منابع روز بین‌المللی، نگاهی معطوف به نیازها و مخاطبان داخلی داشته باشند، خواهند توانست زمینه‌های رشد و تعالی دانش پزشکی را در میان متخصصان و عموم مخاطبان فراهم سازند. در این میان انتشار روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها با توجه به سرعت بالای اطلاع‌رسانی، تکیه بر فرهنگ مکتوب و عمق و غنای خاص رسانه مطبوعات نقشی مهم ایفا می‌نماید.

شفا مجله‌ای ماهانه می‌باشد که مقالات آن توسط پزشکان، داروسازان، دندانپزشکان، متخصصان بهداشت و درمان و متخصصانی در علوم زیستی، مهندسی و یا مدیریت مرتبط با حیطه پزشکی نوشته می‌شود که در زمینه‌ای خاص دارای کارآمدگی علمی و عملی هستند و مایلند در زمینه تخصصی خود موضوعی را به دیگر همکاران در رشته‌های مرتبط با پزشکی معرفی نموده و زمینه به‌کارگیری گسترده‌تر این یافته‌ها را فراهم سازند.

شفا یک ژورنال (journal) علمی - پژوهشی برای انتشار یافته‌های تخصصی حاصل از پژوهش‌های داخلی نیست، بلکه مولفان این مجله (magazine) تلاش دارند اطلاعاتی روزآمدی را از حیطه‌های گوناگون دانش طب در اختیار مخاطبان قرار دهند که با استفاده از دانش عمومی پزشکی قابل استفاده بوده و برای متخصصان شاخه‌های مختلف علوم بالینی قابلیت کاربرد در ابعاد داخلی داشته باشد. شایان ذکر است که گرچه بعضی از مطالب مندرج در این مجله می‌تواند مورد استفاده عموم مردم قرار گیرد اما باید در نظر داشت که پاسخگویی به نیاز مخاطبان عام، از اهداف نویسندگان ما نمی‌باشد.

شفا وابسته به هیچ نهاد یا ارگان دولتی یا خصوصی نمی‌باشد و تنها نقطه مشترک مولفان و مترجمان آن علاقه به گسترش دانش پزشکی و ایجاد هماهنگی بین محققان و متخصصان حیطه‌های مختلف و مرتبط می‌باشد. لذا اگر شما نیز دغدغه‌ای مشترک با این گروه احساس می‌کنید از قبل به این مجموعه دعوت شده‌اید و از حضور شما در این جمع به گرمی استقبال خواهد شد.

امید است در آستانه سال نو، انتشار این مجله شروعی موفق برای ایجاد ارتقاء، سطح دانسته‌ها، هماهنگی و همکاری بین دانش‌آموختگان طب، این دانش نظرکرده الهی، باشد.

رازی مطلبی از شماره چهارم آن به تاریخ ۸۵/۲/۲۰ حضورتان نقل می‌کنیم با این امید که خودتان «سپید» را ببینید و بخوانید. ضمناً در صفحه سوم سپید فرم دریافت اشتراک رایگان آن نیز درج شده است.

مطلب برگزیده از هفته نامه سپید را دکتر شهرام یزدانی در مورد « کمیت آموزش » نگاشته است.

### کمیت آموزشی

در مورد مقوله کمیت، آنچه که در حال حاضر در سطح دنیا وجود دارد، یک رقابت در بین کشورهاست که این رقابت، عمده‌تاً رقابتی اقتصادی است روز به روز هم درصد دانش نهفته در اقتصاد در حال افزایش است، به این ترتیب آنچه که در مورد سرمایه دولت‌ها مطرح می‌شود، دیگر مواد خام و زمین و غیره نیست، بلکه در واقع همان سرمایه انسانی است که به آن اشاره شد و بر این اساس، کشورها با سرمایه‌گذاری روی سرمایه انسانی، قصد دارند که این نوع سرمایه را افزایش دهند تا بتوانند در تجارت جهانی با رقبای خودشان رقابت کنند. این بعد کمی بسیار محسوس است به طوری که در سال‌های اخیر، کشورهایی که پیشرفت‌های عمده داشته‌اند، آن‌هایی بوده‌اند که سرمایه‌گذاری اساسی بر روی آموزش عالی خود داشته‌اند و به‌عنوان مثال متوسط سال‌های تحصیلی افراد بالای ۱۵ سال در کشورهای مختلف تغییرات عمده‌ای داشته است و در کشورهای پیشرفته اعداد بالایی است مثلاً در نروژ ۱۱/۹ سال، در استرالیا ۱۰/۹ سال، در کانادا ۱۱/۶ سال و در آمریکا ۱۲ سال بوده است.

در عین حال در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه، متوسط سال‌های تحصیلی بزرگسالان کمتر است، به طوری که این عدد در سال ۲۰۰۰ در کشور ما ایران، ۵/۳ سال بوده است که فاصله زیادی با کشورهای پیشرفته دارد. پس برای این که این فاصله را کم کنیم، نظام آموزش بزرگسالان ما باید حجم بیشتری از آموزش را ارائه بدهد. این نظام آموزش بزرگسالان در کشور ما در خوش‌بینانه‌ترین شرایط، حدود ۸ میلیون نفر - سال ظرفیت دارد که ۲/۵ میلیون نفر - سال آن مربوط به دانشگاه‌های مختلف است و ۵/۵ میلیون نفر - سال بقیه مربوط به آموزش دبیرستانی است که در زمره آموزش بزرگسالان محسوب می‌شود، بنابراین با توجه به این که حدود ۴۰ میلیون نفر از مردم بالای ۱۶ سال هستند، حدود ۲۸۰ میلیون نفر - سال از کشورهای پیشرفته عقب هستیم و اگر این طور در نظر بگیریم که نظام آموزش عالی ما به جای ۸ میلیون نفر، ظرفیت این را داشت که همه بزرگسالان ایرانی هر سال، یک سال ارتقاء تحصیلی پیدا کنند یعنی ۴۰ میلیون نفر - سال ظرفیت داشت، حدود ۷ سال طول می‌کشید تا فاصله خود را از بین ببریم و البته با ظرفیت فعلی ما، در صورتی که همه دنیا بایستد، این کار بیش از ۳۵ سال طول می‌کشد. ولی مسلماً در شرایط فعلی ۳۵ سال زمانی نیست که دنیا صبر کند و قطعاً ما این رقابت را از دست خواهیم داد. بنابراین از بعد کمی دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها باید این توان را داشته باشند که هر بزرگسال ایرانی را که می‌خواهد یا می‌تواند، ارتقاء تحصیلی بدهند. مساله دیگری که برای توسعه پایدار کشور مهم است، این است که بدانیم به چه ترکیبی از نیروهای انسانی باسواد نیاز داریم. در مورد این موضوع در شماره آینده صحبت خواهیم کرد.

به عنوان حسن ختام این مقالِ مَطوَّل توجه تان به تصویر مطلبی که در خبرنامه انجمن فیزیولوژی و فارماکولوژی سال گذشته به چاپ رسید جلب می‌کنیم که در خور توجه است. به خاطرتان می‌آورم که امکان تداوم مقالات خودآموزی رازی با مساعدت انجمن فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران فراهم شد که هم از

